



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۳/۰۸

ع واحد حیدری

داکتر نجیب‌الله، مشهور به “قصاب کابل”

داکتر نجیب‌الله در دوران دهه دموکراسی و زمان تحصیل در پوهنتون کابل، به بدرفتاری، توهین به مقدسات اسلامی و برخوردهای خشن شهرت داشت. پس از کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ و تجاوز نیروهای شوروی به افغانستان، او به عنوان رئیس سازمان استخبارات دولتی (خاد) از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ فعالیت کرد و سپس در سال ۱۹۸۶ به ریاست‌جمهوری رسید که تا سال ۱۹۹۲ ادامه یافت. در هر دو دوره، اتهامات گسترده‌ای مبنی بر نقض حقوق بشر، سرکوب مخالفان، شکنجه و اعدام‌های فراقانونی علیه او مطرح گردید.

در دوره ریاست سازمان خاد به عنوان نهاد اطلاعاتی و امنیتی دولت کمونیستی، با استفاده از شیوه‌های سرکوب‌گرانه، و قهر آمیز به تعقیب، بازداشت، شکنجه و اعدام مخالفان پرداخت. هزاران تن از شهروندان ضدکمونیست، روشن‌فکران، روحانیون، مجاهدین و مردم بی دفاع، قربانی دستگاه سرکوبی شدند که نجیب‌الله در رأس آن قرار داشت. به همین دلیل، خاد به بی‌رحمی و خشونت مشهور شد و خود نجیب‌الله به “قصاب کابل” معروف گردید.

در دوران ریاست‌جمهوری نجیب‌الله، سرکوب و نقض حقوق بشر ادامه یافت. دستگاه‌های امنیتی و نظامی دولت او، با حمایت ارتش سرخ شوروی، عملیات گسترده‌ای را علیه مخالفان به اجرا گذاشتند. شهرها و روستاهای زیادی هدف بمباران، عملیات نظامی و حملات زمینی قرار گرفتند که منجر به کشته شدن هزاران غیرنظامی شد. سیاست‌های او باعث شد که اکثریت مناطق روستایی افغانستان به میدان جنگ و ویرانی مبدل گردد، در حالی که در کابل، برنامه‌های تفریحی و جشن‌های حکومتی در جریان بود.

نجیب‌الله با شعار “سر می‌دهیم، سنگر نمی‌دهیم” سعی داشت روحیه مقاومت در برابر مجاهدین را تقویت کند، اما در نهایت، پس از سقوط دولت کمونیستی، خود سنگر را رها کرد و به دفتر ملل متحد در کابل پناه برد. او تا سال ۱۹۹۶ در آنجا باقی ماند، اما پس از سقوط کابل به دست طالبان، از پناهگاه بیرون کشیده شد و به طرز وحشیانه‌ای اعدام گردید.

برخی منابع نشان می‌دهند که نجیب‌الله در ابتدا به خروج نیروهای شوروی باور نداشت و حتی با آن مخالفت می‌کرد. آنتونیو گیوستوزی، پژوهشگر انگلیسی، اشاره می‌کند که نجیب‌الله تلاش داشت تا برنامه خروج نیروهای شوروی را متوقف سازد، اما در نهایت مجبور شد آن را بپذیرد. همچنین، میخائیل گورباچف، رهبر وقت شوروی، در دیدار با نجیب‌الله متوجه شد که او اعتماد به نفس ندارد و باور نمی‌کند که شوروی به‌طور جدی تصمیم به خروج گرفته باشد.

سیاست “مصالحه ملی” که توسط نجیب‌الله معرفی شد، با مشاوره و حمایت مشاوران شوروی تدوین گردید. جنرال بوریس گروموف، آخرین فرمانده نیروهای شوروی در افغانستان، در کتاب خود بیان می‌کند که این استراتژی به‌منظور کاهش درگیری‌های داخلی در افغانستان، اما در راستای حفظ نفوذ شوروی در منطقه طراحی شده بود. نجیب‌الله در دوران حکومت خود، با کمک قوای شوروی، توانست کنترل چندین شهر افغانستان را حفظ کند، اما بیشتر مناطق روستایی درگیر جنگ و تخریب شدند. در حالی که در کابل آوازه‌خوانی‌ها، محافل رسمی و جشن‌ها جریان داشت، مردم در روستاها با فقر، گرسنگی، حملات هوایی، زمینی و مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کردند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

به عنوان نمونه، بمباران سال ۱۹۸۴ قریه سبزسنگ در ولایت وردک، یکی از فجایع بزرگ این دوران بود. در این حمله، هنگام نماز شام، جنگنده‌های کمونیستی بمب‌های خوشه‌ای و سنگین را بر سر مردم قریه فرود آوردند. بسیاری در همان لحظه جان باختند. از جمله، عمه‌ام که در حال سجده نماز بود، در اثر انفجار یک دست خود را از دست داد و بعد از مدتی جان سپرد. محمد جان، یکی از جوانان نازنین فامیل ما، در هنگام وضو گرفتن هدف بمباران قرار گرفت و جان باخت. یکی از باشندگان قریه که برای جمع‌آوری هیزم از خانه خارج شده بود، پس از بازگشت، دریافت که هشت فرزند و همسرش در زیر آوار بمب‌ها نابود شده‌اند. بسیاری از قربانیان زخم‌های ظاهری نداشتند، اما شدت موج انفجار باعث جان باختن آنان شده بود.

نتیجه‌گیری: نجیب‌الله قهرمان یا خائن؟

اکنون، با گذشت بیش از چهار دهه، هنوز برخی‌ها از نجیب‌الله را به عنوان "وطن‌پرست" یاد می‌کنند. اما اگر واقعیت‌های تاریخی بررسی شود، دیده می‌شود که او یکی از عوامل اصلی ویرانی افغانستان در دوران اشغال شوروی و پس از آن بود. اخیراً، مصاحبه فضل‌محمود فضلی رئیس اداره امور و از همکاران نزدیک اشرف غنی، را دیدم که در آن، نجیب‌الله و اشرف غنی را با امان‌الله خان مقایسه می‌کرد. در حالی که امان‌الله خان علیه استعمار خارجی جنگید، نجیب‌الله و اشرف غنی هر دو دست‌نشانده استعمار بودند و کشور را به بیگانگان فروختند.

یکی برای تحقق آرمان‌های لنین و مارکسیسم تلاش کرد، و دیگری برای تأمین امنیت لندن و نیویورک. یکی تلاش کرد افغانستان را به پایگاه کمونیسم بین‌المللی مبدل کند، و دیگری دستاوردهای مجاهدین را در اختیار غربی‌ها گذاشت.

تاریخ قضاوت خواهد کرد که چه کسانی برای عزت و استقلال افغانستان تلاش کردند، و چه کسانی کشور را به ویرانی و نابودی کشاندند.

[آرشیف: مطالب نشر شده محترم داکتر عبدالواحد حیدری](#)